

امکان سنجی تبدیل نذر در فقه امامیه

علی اصغر رجبی اسدآبادی | سید مهدی احمدی نیک

- دانش آموخته کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران؛ طلبه درس خارج سطح چهار، حوزه علمیه خراسان، مشهد، ایران. رایانامه: rajaby.1371@gmail.com
- نویسنده مسئول، دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران؛ استاد درس خارج فقه و اصول، حوزه علمیه خراسان، مشهد، ایران. رایانامه: ahmadinik@razavi.ac.ir

چکیده

تغییر و تبدیل نذر یکی از مباحث پراختلاف در فقه امامیه است که از دیرباز مورد نقض و ابرام فقهای عظام قرار گرفته و دو دیدگاه اساسی جواز و عدم جواز تبدیل و تغییر را یافته است. هدف پژوهش حاضر آن است که جواز و عدم جواز تبدیل نذر در فقه امامیه را به همراه دلایل مربوط واکاوی کند و دیدگاه اقوی را با نظر به ادله نشان دهد. فایده بحث آن است که وظیفه شخصی را که نذرش را محدود به زمان یا مکان خاصی نموده و عللی مانند پیدا شدن مورد ضروری تر، وجود افراد نیازمندتر، دشواری انجام نذر، تغییر شرایط، یا مانند آن، مانع شده است، روشن سازد. نگارندگان با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، به این نتیجه رسیده‌اند که با نظر به روایات مربوط، قاعده میسور، تعدد مطلوب و قاعده تراحم تغییر در مواردی و با شرایطی ممکن و جایز است.

کلیدواژه‌ها: تبدیل نذر، قاعده میسور، فقه امامیه.

نوع مقاله: ترویجی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۳/۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۴/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۷/۸

تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۷/۱۴

مقدمه

مفهوم نذر یکی از مفاهیم دینی است که به معنای الزام، وعده و یا الزام خود به انجام یا ترک کاری که از نظر شرع انجام یا ترک آن بر انسان لازم نیست می باشد. (قریشی، ۱۴۱۲، ج ۷، ص ۴۱؛ طریحی، بی تا، ج ۳، ص ۴۹۱) بر اساس گفتار برخی از فقهاء شرائط عامه تکلیف عبارتند از بلوغ، عقل، قدرت و حیات (علامه حلی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۷۳؛ نراقی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۳۳۶؛ شهید ثانی، ۱۴۱۶، ج ۷، ص ۲۳۴؛ عاملی، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۱۳۸؛ محقق اردبیلی، ۱۴۱۷، ج ۸، ص ۱۵۸) و بر این اساس هر فرد زنده، بالغ، عاقل و توانا مکلف به انجام تکالیف شرعی است بر این اساس گاهی شخص مکلف با توجه به تعریف ذکر شده، همراه با اختیار و اراده، خود را ملزم به انجام برخی تکالیف می کند که در این صورت ملزم به رعایت آنها می باشد زیرا که شخص با اجرای صیغه نذر البته با شرایطی که در ادامه اشاره خواهد شد آن را بر خود واجب می کند لازم به یاد آوری است که در دین اسلام، نذریکی از تعهدات دینی است که فرد به عهده می گیرد و خود را ملزم به انجام آن می داند اما در مواردی ممکن است نذرکننده بخواهد نذر خود را تغییر بدهد یا تبدیل کند. این موضوع به دلایل مختلفی از جمله عدم امکان عملی شدن نذر، تغییر شرایط زندگی یا تمایل به انجام عمل خیر دیگری رخ می دهد. از این رو بررسی ادله تغییر و تبدیل نشان دهنده انعطاف پذیری و توجه به شرایط و نیازهای فرد در دین است از اهمیت خاصی برخوردار است بررسی این ادله می تواند به فهم بهتر از شرایطی که نذر را قابل تغییر می کنند و نیز چگونگی انجام این تغییر کمک کند در این نوشتار برآن هستیم که در فقه امامیه این مسئله بررسی کنیم که اگر شخصی چیزی را به وسیله نذر واجد شرایط بر خود واجب کرد و موقع ادای نذر نتوانست آن را انجام دهد چه به خاطر عجز، چه به خاطر ضرورت، مانند بیماری کرونا که ادای نذر به خاطر ضرورت، انجام آن ممکن نمی باشد آیا تغییر و تبدیل نذر امکان دارد یا خیر؟

در این زمینه علیرغم جستجو و بررسی نگارندگان پژوهش مستقلی که به طور جامع، تمام زوایای تغییر نذر را مورد بررسی قرار داده باشد، به دست نیامد و برخی از پژوهش هایی هم که به طور مختصر به موضوع نذر پرداخته اند اشاره ای به امکان سنجی تغییر و تبدیل نذر ننموده اند از جمله پژوهشهای سامان یافته در باره نذر، مقاله نذر و هویت اجتماعی زنان بهار مهری ۱۳۸۳ که در آن ضمن بیان جایگاه نذر به لحاظ مفهومی و نظری در مردم شناسی دینی، به بیان وضعیت آن به عنوان یکی از اعمال و رفتارهای دینی در میان مردم مسلمان ایران پرداخته شده ولی در مورد امکان سنجی تغییر و تبدیل نذر بحثی مطرح نشده است. مقاله حاضر به بررسی ادله امکان سنجی تغییر و تبدیل نذر طبق نذر فقه امامیه پرداخته و زوایای گوناگون آن را مورد مطالعه قرار داده. جنبه نوآوری این نوشتار آن است که نسبتاً به طور جامع به مقوله امکان سنجی تغییر و تبدیل نذر از نظر پرداخته و به این نتیجه دست یافته که با نظر به روایات مربوطه، قاعده میسور و مصلحت تغییر در مواردی و با شرایطی ممکن و جایز می باشد.

۱. مفهوم شناسی

نذر در لغت

برخی از واژه نگاران در باره نذر گفته اند: نَذَرَ نَذْرًا: أوجب علي نفسه ما ليس بواجب، نذر آنست که چیز غیر واجب را بر خویش واجب گردانی یا التذّر: أن تُوجب علي نفسك ما ليس بواجب لحدوث أمر. و انذار خبری است که در آن تخویف و ترس باشد، همان طور که تبشیر خبری است که در آن شادی و سرود می باشد (راغب، ۱۴۱۲، ص ۷۹۸؛ قرشی، ۱۴۱۲، ج ۷، ص ۴۱؛ طریحی، بی تا، ج ۳، ص ۴۹۱) برخی دیگر چنین آورده اند: وعده دادن به شرطی مانند اینکه بر من است اگر خدا مریض من را شفا دهد. (فیروزآبادی، بی تا، ج ۲، ص ۱۴۰) وعده دادن به شرطی مانند اینکه بر من است اگر خدا مریض من را شفا دهد. (فیروزآبادی، بی تا، ج ۲، ص ۱۴۰)

با توجه به تعاریف مختلفی که برای نذر در لغت بیان شد می توان گفت که نذر به عنوان یک عمل عبادی و تعهدی با ابعاد مختلف اجتماعی و فردی، به معنای تعهد به انجام عملی خاص به خاطر خداوند تعریف می شود و می توان گفت به وعده ای اشاره دارد که فرد به خداوند می دهد تا در صورت برآورده شدن یا رخداد خاصی، عمل خیری انجام دهد یا هدیه ای ارائه کند.

نذر در اصطلاح

نذر در نزد فقها عبارت است از اینکه ملکف بر خودش انجام یا ترك فعلی را که آن را به خدا منتسب می کند بر خودش واجب کند بنابراین نذر يك امر اعتباري است که قابل جعل و انشاء می باشد لذا نذر نوعی ایقاع است. (مشکینی، ۱۳۹۲، ص ۵۶۷) برخی از فقهای نامدار چنین آورده اند: أن النذر لا ینعقد حتی یکون معقوداً بشرط متعلق، کان یقول: لله علي إن قدم فلان أو کان کذا أن أصوم أو أتصدق، و لو قال: لله علي أن أصوم أو أتصدق من غير شرط يتعلق به لم ینعقد نذره. نذر پا نمیگیرد مگر آن که مبتنی بر شرطی باشد مانند این که بگوید: از جانب خداوند بر من است که اگر فلانی از سف آمد من روزه خواهم گرفت یا صدقه می دهم و در غیر این صورت نذر پا نمی گیرد (سیدمرتضی، ۱۴۱۵، ص ۳۶۲)

برخی از اندیشه وران فقه فرموده اند: نذر یعنی خود را به انجام عمل نیکی در برابر شرطی ملتزم کردن، مثل اینکه بگوید آگه خدا بیمار مرا بهبودی بخشید، آن مقدار برای خدا صدقه بدهم. (راوندی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۲۳۴)

با توجه به تعاریف ذکر شده تعریف منتخب: نذر آن است که انسان ملتزم شود که کار خیری برای خدا به جا آورد یا کاری که انجام ندادن آن بهتر است برای خدا ترک نماید.

۲. شرائط

از دیرباز موضوع شروط نذر همواره مورد توجه فقها بوده است. این موضوع به بررسی ارتباط پیچیده میان تعهدات دینی فرد و شرایط متغیر زندگی او می‌پردازد.

قدما و متأخرین بر این باورند که هر نذری، در واقع يك تعهدي است که نذرکننده به درگاه الهی می‌سپارد. این تعهد، با توجه به شرایط و نیت فرد در زمان نذر، شکل می‌گیرد اما آیا این تعهدات، همواره باید به همان شکل اولیه باقی بماند یا اینکه امکان تغییر و تحول در آنها وجود دارد؟

پاسخ به این پرسش، مستلزم بررسی دقیق شرایط نذر و همچنین شناخت عمیق از احکام شرعی مرتبط با آن است به عبارت دیگر هرگونه تغییر در نذر، باید با رعایت اصول و قواعد مشخصی صورت گیرد تا از يك سو حق الله ادا شود و از سوي دیگر به فرد نذرکننده نیز آسیبی نرسد.

آگاهی از شرایط و ضوابط تغییر نذر، به فرد کمک می‌کند تا با دقت و آگاهی بیشتری تصمیم‌گیری کند. همچنین این آگاهی به او این اطمینان را می‌دهد که تغییرات ایجاد شده در نذر، از نظر شرعی صحیح و معتبر است.

بنابر آنچه بیان شد در ابتدا به بیان شروط نذر پرداخته می‌شود تا مشخص شود که شخص نذرکننده باید چه شرایطی داشته باشد زیرا اگر این شرایط وجود نداشته باشد دیگر نوبت به مرحله تغییر یا تبدیل نذر نمی‌رسد و در صورت وجود این شرایط این سؤال مطرح می‌شود که آیا امکان تغییر یا تبدیل نذر وجود دارد یا خیر؟

۲-۱. شروط نذر در فقه امامی

نذر عهد و پیمانی است که فرد با خداوند می‌بندد و در آن متعهد می‌شود که در صورت برآورده شدن حاجتی یا به نیت تقرب به خداوند، عملی خاص را انجام دهد. این عمل می‌تواند شامل پرداخت صدقه، انجام عبادات خاص یا ترك اعمال باشد اما برای اینکه نذری صحیح و معتبر باشد، باید شرایط خاصی را دارا باشد. این شرایط از نظر شرعی اهمیت زیادی دارند و برای اطمینان از صحت نذر و انجام صحیح آن ضروری هستند. به همین خاطر در ذیل شرایط نذر آورده می‌شود.

۲-۱-۱. صیغه نذر

یکی از شرائط نذر آن است که صیغه نذر را به زبان آورد مثلاً بگوید: «إِن عَافَانِي اللهُ - مَثَلًا فَلِلَّهِ عَلَيَّ صَدَقَةٌ أَوْ صَوْمٌ أَوْ غَيْرَهُمَا كَهَسَبِ نَيْتٍ وَارَادَةِ شَخْصٍ مَي تَوَانَدُ يَكِي از انواع نذر مطلق یا معلق باشد. (حلی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۲۷۴)

۲-۱-۲. از جمله شرایط نذر شرایط مربوط به نذرکننده می باشد. در نذر، ناذر باید دارای شرایطی باشد که عبارت‌اند از: کمال یعنی شخص بالغ و عاقل باشد، مختار باشد، نسبت به صیغه نذر قصد داشته باشد، مسلمان و آزاد باشد. (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۵، ص ۳۵۲)

۲-۱-۳. اذن

شرط دیگر آن است که نذر به اذن پدر و شوهر باشد پس نذر پسر و زن بدون اجازه پدر و شوهر جایز نیست. گاهی اذن یکی از شرایط صحت نذر است و آن بیشتر مربوط به اذن شوهر نسبت به نذر همسرش می باشد.

صاحب جواهر در خصوص لزوم اذن شوهر می نویسد: «و کیف كان فيشترط في نذر المرأة بالتطوعات إذن الزوج وفاقاً للمشهور بين الأصحاب سيما المتأخرين» (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۵، ص ۳۵۸)

۲-۱-۴. متعلق نذر مقدور باشد

کسی که نذر می کند و قصد دارد که آن را وفا کند باید نذری نماید که توانایی انجام آن را داشته باشد بنابراین اگر انجام عملی معین در زمان معینی را نذر نماید باید در آن وقت و زمان قدرت بر انجام آن داشته باشد اما اگر نذر مطلق باشد و مقید به زمان خاصی نباشد، اگر در عمر خود قدرت بر انجام آن را داشته باشد کفایت می نماید. (عاملی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۳۳)

مرحوم طبرسی در این زمینه بیان داشته است در صورتی که شخص نذر کرده که پیاده به حج برود اما در هنگام ادای نذر به جای اینکه پیاده نذر خود را وفا کند به صورت سواره حج را به جا آورد. در این حالت دو صورت وجود دارد:

۱- شخص در هنگام وفای به نذر قدرت بر انجام نذر به صورت پیاده دارد اما سواره نذر خود را انجام می دهد: واجب است نذر خود را اعاده کند و به صورت پیاده انجام دهد.

۲- شخص در هنگام ادای نذر قدرت بر انجام ندارد: در صورتی که نذر خود را به صورت سواره انجام دهد، اعاده واجب نیست و وفای به نذر شده است و تکلیف از شخص برداشته می شود.

اما در صورتی که نذر کرده باشد چنانچه حاجت او برآورده شود، سواره به حج برود و در هنگام وفای به نذر مخالفت کند و به صورت پیاده به حج برود، به نذر خود عمل کرده است و چیزی بر عهده او نیست زیرا اصل بر براءت ذمه می باشد.

(طبرسی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۵۰۷)

مرحوم شیخ مفید هم در این باره گفته اند: در صورتی که شخص نذر کند اگر حاجتش برآورده شود پیاده به سفر حج برود اما در هنگام ادای نذر خود از وفای به نذر به صورت پیاده عاجز باشد، می تواند نذر خود را به صورت سواره انجام دهد و در

این صورت نیاز به پرداخت کفاره نیز نمی‌باشد اما در صورتی که عاجز از انجام نذر نباشد ولی با این وجود نذر خود را به صورت سواره به جا بیاورد این نذر صحیح نیست و باید حج را اعاده کند و به صورت پیاده انجام دهد.^۱

ابن جنید نیز همین عقیده را دارد زیرا ایشان در مورد شخصی که نذر کرده است که پیاده به حج برود اگر تمام تلاش خود را برای پیاده رفتن انجام دهد و سپس سواره برود یا نذر کند که پا برهنه به حج برود سپس خسته شود چیزی بر او نیست زیرا پیامبر اکرم (ص) امر کرد به مردی که نذر کرده بود پیاده برود به حج اینکه سواره برود و فرمود که خداوند بی‌نیاز است از این که فردی خودش را معذب کند و به مشقت بیندازد و امر به کفاره نکرد. (ابن جنید، ۱۴۱۶، ص ۳۰۵)

همچنین متعلق نذر باید در جهت اطاعت خداوند باشد و مربوط به انجام امر واجب یا مستحبی باشد بنابراین طبق نذر مشهور اگر نذر مربوط به يك امر مرجوح یا امری مباحی باشد صحیح نیست و نذر منعقد نمی‌شود. (حسینی، ۱۴۱۲، ج ۲۳، ص ۲۹۵)

جمع بندی: با توجه به آنچه درباره شرایط نذر بیان شد می‌توان گفت: نذر به صیغه خاصی نیاز دارد که باید به زبان آورده شود. نذرکننده باید بالغ، عاقل، مختار، با قصد و اراده و مسلمان و آزاد باشد. کودک، دیوانه، افراد تحت اجبار، کسانی که به معنای نذر قصد ندارند، کافر و برده بدون اجازه مولایش نمی‌توانند نذر کنند. نذر پسر بدون اذن پدر و نذر زن بدون اذن شوهر صحیح نیست. برخی مراجع اذن شوهر را در تمامی شرایط برای صحت نذر زن ضروری می‌دانند.

رعایت این شرایط صحت و اعتبار نذر را تضمین می‌کند و انجام آن را معتبر می‌سازد. رعایت این ضوابط نذر را نظر شرعی قابل قبول می‌کند و صحت آن را تضمین می‌کند.

۱. «و من نذر أن يحج ماشيا أو يزور كذلك فعجز عن المشي فليركب و لا كفارة عليه فإن ركب من غير عجز كان عليه إعادة الحج و الزيارة و يمشي ما ركب منه و يركب ما مشى إن شاء الله». (مفید، ۱۴۱۳، ص ۵۶۵).

۳. امکان سنجی تغییر و تبدیل نذر در فقه امامیه

در صورتی که کسی نذر کند و از انجام آن عاجز گردد در این صورت این مطلب پیش می‌آید که شخص نذرکننده وظیفه‌اش چیست؟ آیا می‌تواند نذر را تغییر دهد یا باید همان مورد را انجام دهد؟ در بحث حج آمده است در صورتی که شخصی نذر کند که پیاده به حج برود اما از انجام حج به صورت پیاده عاجز شود، وظیفه او چیست؟ فقها در این مورد فرموده‌اند: نذری که توسط شخص می‌تواند انجام شود دو حالت دارد:

۱- انجام نذر به صورت مطلق بوده و زمان خاصی را تعیین ننموده است: در این حالت باید هر زمان که توانایی انجام نذر را پیدا کرد و مشکل برطرف شد، نذر خود را به جا بیاورد و امکان تغییر و تبدیل نذر وجود ندارد. (حلی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۷۶)

۲- انجام نذر مقید به سال و زمان معینی شده است که در این مورد سه نظر بین فقها وجود دارد:

الف) علامه حلی بر این عقیده هستند که در این صورت در صورت عجز از انجام نذر، حج به کلی ساقط می‌شود و امکان تغییر آن وجود ندارد. (محقق حلی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۴۰۹)

فخرالمحققین که این نظر را برگزیده است در توضیح آن بیان می‌دارد: «حجّ مورد نذر به کلی از عهده وی ساقط می‌شود زیرا نذر وی با تعیین جزئیات ویژه‌ای برای کلی حجّ همراه بوده که عبارت است از حج با پای پیاده و حال که از ایفای متعلق نذر خویش عاجز گشته، مؤظف دانستن وی به انجام آن در حالت مزبور، تکلیف به امر خارج از توان وی می‌باشد که استحاله آن روشن است». (محقق حلی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۷۶)

ب) برخی بر این عقیده هستند که هر چند وجوب پیاده روی از عهده وی ساقط است، اما نفس حجّ به گونه سواره بر او واجب می‌باشد زیرا آنچه به واسطه نذر بر وی واجب گردیده، دو امر است که عبارتند از حج و پیاده‌روی و میسور [از این دو که اصل حجّ، به هر شکل ممکن است]، با سقوط معسور [پیاده روی] ساقط نمی‌گردد. هم‌چنین کفاره نیز واجب نیست زیرا اصل بر عدم ثبوت آن می‌باشد مگر این که با دلیل ویژه، وجوب آن ثابت گردد. (کیدری، ۱۴۱۶، ص ۴۸۴)

ج) برخی نیز معتقدند که بایستی به عنوان کفاره یا فدیة، دو مدّ طعام به فقرا دهد و در صورت عدم تمکن، به هر مقدار که برایش میسر است، اطعام نماید زیرا میسور به واسطه سقوط معسور، ساقط نمی‌گردد. (حلی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۰۸)

اینک بیان و بررسی اقوال

۱-۳- احوال فقها در مورد تغییر و تبدیل نذر

در خصوص امکان تغییر و تبدیل نذر بین فقها اختلاف نذر وجود دارد: برخی بر این عقیده هستند که امکان تغییر وجود دارد و نیاز به پرداخت کفاره نیست اما در مقابل برخی قائل به عدم امکان تغییر هستند و در صورت تغییر باید کفاره نیز پرداخت شود. (حلی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۷۶۴، طوسی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۰۳)

۳-۱-۱- امکان تغییر و تبدیل نذر در صورت عجز بدون نیاز به پرداخت کفاره

مرحوم محقق حلی (ره) ادعای اجماع نموده که اگر کسی نذر کند که پیاده به حج برود واجب است در صورت تمکن به نذر خود عمل نماید اما در صورت عجز باید نذر خود را به صورت سواره وفا کند و در این حالت وجوب ساقط می شود زیرا تکلیف و عمل به نذر منوط به وسع است و در حالت عجز، وسع از بین می رود. (حلی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۷۶۴)

مرحوم شیخ مفید (ره) معتقد است در صورت عجز باید نذر تغییر کند و نیاز به پرداخت کفاره نیز نمی باشد. ایشان می فرماید: «و من نذر أن یحج ماشیا أو یزور كذلك فعجز عن المشی فلیرکب و لا کفارة» (مفید، ۱۴۱۳، ص ۵۶۵)

مرحوم ابن براج (ره): «و إذا نذر الحج ماشیا أو زیارة مشهد من المشاهد الشریفة كذلك، ثم عجز عن المشی کان له ان یرکب و لا کفارة علیه» (ابن براج، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۴۱)

۳-۱-۲- امکان تغییر و تبدیل نذر به همراه پرداخت کفاره

مرحوم شیخ طوسی (ره) قائل بر این است چنانچه کسی نذر کند که پیاده به حج برود واجب است که به نذر خود عمل نماید اما در صورت عجز از وفای به نذر، باید نذر خود را تغییر دهد و به حالت سواره آن را انجام دهد ولی در این مورد که امکان نذر خود را به صورت پیاده ندارد علاوه بر اینکه باید سواره نذر را انجام دهد واجب است که کفاره نیز پرداخت نماید. (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۰۳)

مرحوم علامه حلی (ره) در اینباره می گوید: در صورتی که شخص نذر کرده باشد که در سال معینی پیاده به حج برود اما در هنگام وفای به نذر عاجز از آن شود باید نذر خود را سواره انجام دهد برخلاف مرحوم شیخ طوسی (ره) که معتقد است پرداخت کفاره واجب است ایشان پرداخت کفاره را مستحب می داند اما اگر نذر به صورت مطلق باشد باید صبر کند تا شرایط انجام نذر مهیا شود. (حلی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۲۹۱)

مرحوم علامه (ره) در کتاب تذکره در مورد نذر معین و مطلق بیان می‌دارد: در صورتی که نذر معین باشد مثلاً نذر کند که در سال معینی به حج برود در صورتی که قدرت بر انجام آن کند اما اهمال بورزند باید کفاره بدهد و قضای آن را به جا آورد ولی در صورتی که قدرت بر انجام آن را نداشته باشد کفاره ندارد اما باید قضای آن را به جا آورد.

در صورتی که نذر کند پیاده به حج برود اما صفت پیاده رفتن از او زایل شود لکن توانایی بر انجام حج را داشته باشد باید کفاره بدهد و بعداً قضای آن را به صورت پیاده انجام دهد اما در صورتی که علاوه بر زایل شدن صفت، قدرت انجام حج را نیز از دست دهد، در این حالت نه قضا دارد و نه کفاره. در نهایت ایشان در مورد کسی که عاجز از پیاده روی است و نذر خود را به صورت سواره ادا می‌کند، پرداخت کفاره را حمل بر استحباب می‌کند. (حلی، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۴۳۱)

۳-۱-۳- قول به تفصیل در مورد تبدیل نذر

مرحوم فخرالمحققین (ره) در مورد کسی که نذر کند پیاده به حج برود، قائل بر این است که نذر کردن برای انجام حج پیاده، از نظر شرعی صحیح و معتبر است اما اختلافی که در این زمینه وجود دارد این است که آیا رعایت قید پیاده رفتن با وجود توانایی لازم است یا خیر؟ مبنای این دو قول بر این است که آیا پیاده روی افضل از سواره است یا سواره بودن افضل است؟ (حلی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۶۶)

گروهی بر این عقیده هستند که پیاده روی افضل است زیرا سیره عملی امام حسن مجتبی، امام زین العابدین و امام کاظم علیهم السلام، با وجود اینکه وسایل سواری مانند شتر، قاطر و... بوده است اما بر پیاده رفتن به حج مراقبت می‌کردند. همچنین به قول پیامبر اسلام (ص) نیز استناد می‌کنند که فرموده‌اند: «یاداش تو به اندازه رنجی است که می‌کشی». در مقابل این گروه، برخی سواره بودن را افضل می‌دانند زیرا پیامبر (ص) حج را به صورت سواره ادا می‌کرده‌اند. فخرالمحققین بعد از بیان این موارد قول کسانی را که قائل به تفصیل هستند را بیان می‌کند و خود نیز این نظر را می‌پذیرد. ایشان می‌گویند: در این مورد برخی قائل به تفصیل شده‌اند به این صورت که:

اگر فردی توانایی سوار شدن را داشته باشد و پیاده روی مانع انجام واجبات و ضعف او نشود، پیاده روی افضل است. اگر پیاده روی باعث ضعف و ناتوانی فرد در انجام واجبات شود، سواره رفتن افضل است. (حلی، ج ۴، ص ۶۶)

از آنچه بیان شد مشخص می‌شود که قاطبه فقها تبدیل یا تغییر نذر در صورت عجز را اجازه می‌دهند اما اختلاف در مورد پرداخت کفار یا عدم پرداخت آن است که در این زمینه برخی معتقد هستند که علاوه بر انجام نذر، پرداخت کفاره نیز باید انجام گیرد که برخی آن را واجب و برخی دیگر آن را مستحب می‌دانند. همچنین در مورد نذر مطلق و مقید نیز بر این نظر

هستند که در نذر مطلق باید صبر نمود تا زمانی که شخص توانایی و تمکن انجام نذر برای او فراهم شود اما در خصوص نذر مقید باید تبدیل صورت گیرد که مباحث آن بیان شد.

مرحوم امام خمینی (ره) بر این باورند که اگر مثلاً نذر کند پیاده به حج برود عاجز بشود از پیمودن تمام راه به طور پیاده مقداری را که می تواند باید پیاده و در مقداری که نمی تواند سوار بر مرکب بشود اما احوط آن است که شتری را هم به عنوان کفاره بدهد.^۲ و در صورت عجز نذر را ساقط دانسته اند.^۳

مقام معظم رهبری هم در صورت عجز فرموده اند: عجز ناذر از انجام منذور اگر ناذر، از انجام منذور (چه نذر مطلق و چه نذر مقید به زمان) عاجز شود، نذر منحل می شود و چیزی بر عهده ناذر نیست؛ مگر در مورد نذر روزه که در صورت عجز، باید در ازای هر روز، یک مد طعام به فقیر بدهد. (<https://farsi.khamenei.ir>)

حضرت آیت الله مکارم شیرازی هم در این باره در پاسخ از پرسشی در باره عدم امکان عمل به نذر فرموده اند: سؤال ۱۳۱. گاه نذرهایی انجام می شود که قابل عمل نیست، مثلاً نذر کرده در عاشورا شربت دهد و الان زمستان است و این امر ممکن نیست، آیا تغییر آن جایز است؟ جواب: آری! می توان آن را مثلاً به شیر گرم و مانند آن تغییر داد. (<https://hadana.ir>)
در صورتی که نذر با صیغه شرعی خوانده شود تغییر جایز نیست. (خمینی ص ۵۴۱، مکارم شیرازی، ج ۱، ص ۲۹۵، تبریزی، ج ۱، ص ۳۸۷، سبحانی، ص ۱۶۵) در مواردی قائل به تغییر و تبدیل نذر شده اند.

۴- تحلیل و بررسی مستندات

در ذیل روایاتی آورده می شود که بیانگر این مطلب است که در صورت عجز از انجام مورد نذر، نذر ساقط نمی شود بلکه با تغییر آن، شخص می تواند به نذر خود عمل نماید همچنین قواعدی که با استناد به آن قواعد می توان اقدام به تغییر و تبدیل نذر نمود:

۴-۱- روایات

۱- علی بن مهزیار روایت می کند که گفت: به ابوالحسن علیه السلام نامه نوشتم، مردی که نذر کرد همیشه روز جمعه را روزه بگیرد، پس یک روز جمعه که در آن عید سعید فطر فرا می رسد یا عید قربان یا ایام تشریق یا مسافرت یا مریض شدن در

۲. مسألة ۱۸ لو طرأ لناذر المشي العجز عنه في بعض الطريق دون بعض الأحوط لو لم يكن الأقوى أن يمشي مقدار ما يستطيع ويركب في البعض، والأحوط الأولى سيقا بدنة في نذر الحج، ولو اضطر إلى ركوب السفينة فالأحوط أن يقوم فيها بقدر الإمكان. (امام خمینی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۱۲۱)

۳. مسألة ۲۴ لو عجز الناذر عن المنذور في وقته إن كان موقتا و مطلقا إن كان مطلقا انحل نذره و سقط عنه و لا شيء عليه، نعم لو نذر صوما فعجز عنه تصدق عن كل يوم بمد من طعام على الأقوى، و الأحوط مدان. (امام خمینی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۱۲۳)

آن روز، آیا بر اوست روزه گرفتن آن روز؟ یا قضا آن؟ یا چگونه بجا آورد؟ نوشت برای او که خداوند روزه را از او برداشته است در تمام این روزها و یک روز دیگر به جایگزین آن روز، روزه بگیرد.^۴ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۴۵۶)

۲- از علی بن ابراهیم از پدرش و ابن ابی عمیر عن رفاعه و حفص فرمود: از اباعبدالله علیه السلام سؤال کردم. از مردی روایت شده است که نذر کرد پابرهنه به سوی خانه خدا راه برود، گفت: «پس پیاده برود زمانی که خسته شد، سواره برود».^۵ (طوسی، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۵۰)

۳- از ابو علی اشعری نقل شده است که از یکی از ائمه نقل نموده، که سوال کردم از امام از مردی که نذر کرده بر خودش اینکه پیاده به خانه خداوند برود پس توانایی ندارد امام فرمود: سواره حج به جا بیاورد.^۶ (طوسی، ۱۳۷۶، ص ۳۰۴)

با توجه به آنچه گفته شد در شرایطی که فرد نذرکننده از انجام مورد عاجز باشد این سؤال پیش می‌آید که وظیفه او چیست؟ آیا می‌تواند نذر را تغییر دهد یا باید همان مورد را انجام دهد؟

از مباحث گذشته معلوم شد که در صورت مطلق بودن نذر و معین نبودن زمان نذر، باید آن را در وقتی که شرایط مهیا بود انجام داد اما در صورتی که نذر مقید به زمان خاصی باشد در این صورت فقها نظرات مختلف دارند برخی بر این هستند که نذر به طور کلی ساقط می‌شود اما گروهی بر این عقیده هستند که نذر به حال خود باقی می‌ماند و باید آن را تغییر داد با این تفاوت که برخی معتقدند که باید کفاره نیز پرداخت نمود اما گروه دیگر قائل بر این هستند که با تغییر نذر نیازی به پرداخت کفاره نمی‌باشد. روایاتی نیز در این زمینه وجود دارد که بیانگر این است که در صورت عجز، نذر ساقط نمی‌شود بلکه باید با تغییر آن، شخص به نذر خود وفا نماید. این روایات به وضوح نشان می‌دهند نذری که نتواند به صورت اولیه انجام شود می‌تواند به شکلی دیگر انجام شود مانند روزه گرفتن در روز دیگری یا انجام حج به صورت سواره.

۴. «مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْرَبَانَ مِثْلَهُ وَ كَتَبَ إِلَيْهِ يَا سَيِّدِي رَجُلٌ نَذَرَ أَنْ يَصُومَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ دَائِمًا مَا بَقِيَ فَوَافَقَ ذَلِكَ الْيَوْمَ عِيدَ فِطْرٍ أَوْ أَضْحَى أَوْ أَيَّامَ التَّشْرِيقِ أَوْ السَّفَرِ أَوْ مَرَضٍ هَلْ عَلَيْهِ صَوْمٌ ذَلِكَ الْيَوْمَ أَوْ قِصَاؤُهُ أَوْ كَيْفَ يَصْنَعُ يَا سَيِّدِي فَكَتَبَ إِلَيْهِ قَدْ وَضَعَ اللَّهُ عَنْهُ الصِّيَامَ فِي هَذِهِ الْأَيَّامِ كُلِّهَا وَ يَصُومُ يَوْمًا بَدَلَ يَوْمٍ إِنْ شَاءَ اللَّهُ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۴۵۶)

۵. «عنه عن علي بن إبراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن رفاعة و حفص قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن رجل نذر أن يمشي إلى بيت الله خافياً قال «فليمشي فإذا تعب فليركب». (طوسی، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۵۰)

۶. «عن أبي علي الأشعري عن محمد بن عبد الجبار عن صفوان عن العلاء بن زرين عن محمد بن مسلم عن أحدهما عليهما السلام قال: سألت عن رجل جعل عليه مسياً إلى بيت الله فلم يستطع قال يحج زكياً». (طوسی، ۱۳۷۶، ص ۳۰۴)

۴-۲. قواعد

گاهی به دلایلی مانند ضرورت، عدم توانایی یا شرایط خاص امکان انجام نذر برای فرد مقدور نمی‌باشد، در این شرایط، فرد می‌تواند نذر خود را تغییر دهد یا حتی تبدیل به احسن کند، در ذیل روش‌هایی که امکان تغییر و تبدیل نذر را اجازه می‌دهد توضیح داده می‌شود:

۴-۲-۱- قاعده میسور

قاعده میسور یکی از قواعد مهم فقهی است که در شرایط عدم امکان انجام کامل یک تکلیف، به کار می‌رود. مضمون این قاعده این است که هرگاه انجام تکلیف به صورت کامل دشوار یا ناممکن شود، انجام بخشی از آن که برای مکلف مقدور است از عهده او ساقط نمی‌شود که این قاعده مورد بررسی قرار می‌گیرد. (لنکرانی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۳۶۴)

در میان معاصرین، آیت الله ناصر مکارم شیرازی حفظه الله، قاعده المیسور را از قواعد شرعی و عقلانی دانسته و بر حجیت آن به نحو اطلاق صحه گذارده است. (مکارم شیرازی، ج ۱، ص ۵۵۴، ۵۴۷). مرحوم آیت الله علی مشکینی رحمه الله نیز قول به حجیت مطلق قاعده را به مشهور نسبت داده است. (مشکینی، ص ۲۰۹).

آیت الله جعفر سبحانی حفظه الله نیز جانب حجیت قاعده را گرفته است. (سبحانی، ج ۳، ص ۶۵۳، ۶۴۸) تعذر از انجام تکالیف در سه حالت قابل تصور است:

۴-۲-۱. مورد اول در جایی که انجام برخی از اجزاء مرکب امکان نداشته باشد مثلاً به خاطر تنگ بودن وقت، سوره را ترک کند.

۴-۲-۲. مورد دوم تعذر از انجام برخی شرایط مرکب شرعی است مانند اینکه پوشاندن بدن یا مراعات قبله ممکن نباشد.

۴-۲-۳. مورد سوم مربوط به موانع است که در حالت اضطرار مجبور به انجام آن می‌شود مثلاً در حالت اضطرار مجبور باشد که با لباس نجس نماز بخواند در ذیل جهت روشن شدن بحث چند مثال آورده می‌شود:

۴-۲-۴. نماز: در مواردی که فردی به دلیل بیماری یا شرایط خاص نمی‌تواند نماز را به صورت کامل انجام دهد، باید به میزان توان خود آن را انجام دهد مثلاً نشسته نماز بخواند یا تنها اشاره کند.

۴-۲-۵. حج: اگر کسی نذر کرده که پیاده به حج برود اما در انجام این عمل ناتوان باشد باید به میزان توان خود عمل کند و مثلاً سواره به حج برود. (کیدری، ۱۴۱۶، ص ۴۸۴)

با توجه به آنچه گفته شد، قاعده میسور به عنوان یکی از اصول مهم و پرکاربرد در فقه اسلامی شناخته می‌شود که براساس آن، ناتوانی در انجام کامل يك وظیفه نباید باعث ترك کامل آن شود، فقها این قاعده را در بسیاری از موارد شرعی مورد تأیید قرار داده و به کار گرفته‌اند. این قاعده نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری فقه اسلامی در مواجهه با شرایط مختلف و توانایی افراد است و تأکید دارد که هر شخص باید به میزان توان خود در انجام وظایف دینی خود کوشش کند لذا با استناد به این قاعده در صورت عجز از انجام نذر، می‌توان اقدام به تغییر یا تبدیل نمود.

۴-۲. تراحم

تراحم: تمانع دو حکم در مقام امتثال.

تراحم عبارت است از عدم امکان جمع بین دو حکم در مقام امتثال از باب اتفاق. عدم امکان جمع یا به جهت عدم توانایی مکلف به جمع بین آن دو در مقام عمل است، چنان‌که غالب موارد تراحم چنین است و یا به جهت قیام دلیل خارجی بر عدم اراده جمع بین آن دو.

حکم: در مواردی که نسبت بین دو حکم متراحم، اهم و مهم است، عمل به حکم اهم بر مکلف متعین می‌باشد و چنانچه از این حیث با یکدیگر مساوی باشند حکمی که به لحاظ ظرف امتثال، زمانش جلوتر است، به حکم عقل مقدم خواهد بود، مانند نماز ظهر و عصر که هر دو بر مکلف واجب است؛ لیکن در فرضی که وی تنها بر انجام دادن یکی از آن دو قدرت دارد، نماز ظهر به لحاظ تقدّم زمانی بر نماز عصر، مقدم می‌شود. در غیر این صورت، مکلف به حکم عقل در امتثال هر يك از دو حکم مخیر است. (سبحانی، ج ۴، ص ۴۸۲)

اصولیان برای بیان ملاک اهمیت، وجوهی ذکر کرده‌اند، از جمله:

۴-۳-۱. یکی از دو حکم به لحاظ مدّت زمان انجام آن، مضیق و دیگری موسّع باشد، مانند تراحم امر به نماز در اول وقت با امر به ازاله نجاست از مسجد که وقت اولی وسیع و دومی، ضیق و فوری است. (هاشمی، ۱۴۳۲، ج ۲، ص ۴۵۶)

در این صورت، در مقام عمل، حکم مضیق بر حکم موسّع مقدم می‌شود.

۴-۳-۲. امر یکی معین و امر دیگری مخیر باشد، مانند کسی که نذر کرده برده مؤمنی را آزاد کند و نذرش محقق شده است و به جهت افطار عمدی روزه ماه رمضان کفاره نیز بر عهده‌اش آمده است؛ درحالی‌که موجودی وی تنها يك برده مؤمن است.

در این صورت امر معین یعنی وفای به نذر بر امر مخیر یعنی کفاره مقدم است؛ از این رو، برده را به جهت ادای نذر آزاد می‌کند و کفاره را از سایر خصال آن - دو ماه روزه یا اطعام شصت فقیر می‌پردازد.

۳-۳-۴. یکی از دو حکم، بدل داشته و دیگری بدل نداشته باشد، مانند کسی که برای نماز باید وضو بگیرد یا غسل کند از سوی دیگر لباس او نیز نجس است. (همان، ص ۴۵۶)

درحالی که آبی که در اختیار دارد تنها کفاف یکی از آن دو - وضو یا غسل و شستن لباس - را می‌دهد. در این صورت شستن لباس که بدل ندارد مقدم بر غسل یا وضو است که تیمم بدل از آن دو است.

قانون کلی در تقدیم یکی از دو حکم متزاحم بر دیگری، اولویت داشتن آن - به لحاظ حفظ و تقدیم - نزد شارع است.

اولویت نیز یا از ادله فهمیده می‌شود یا از مناسبت حکم و موضوع و یا از راه شناخت ملاک‌های احکام که شارع بیان کرده است، مانند موارد تزاحم بین *حَقَّ النَّاسِ* و *حَقَّ اللَّهِ*؛ بین واجب رکنی و غیررکنی در عبادت همچون رکوع و قرائت و نیز بین ایجاد آشتی میان مؤمنان با دروغ گفتن و راستگویی منجر به بروز فتنه و فساد که در هر سه مورد، اولی بر دومی مقدم می‌شود.

برخی از فقهای معاصر در بحث حج در تعارض بین وفای به نذر و وجوب حج آورده اند که نذر در صورتی که قبل از تحقق استطاعت انجام شده باشد وفای به نذر مقدم است و فرموده اند برخی از فقهای معاصر نقل نموده‌اند که مرحوم صاحب جواهر به خاطر اهتمام به اتمام جواهر الکلام و استمرار بر تدوین و اشتغال به تالیف آن نذر کرده بودند عرفه را در محضر امام حسین علیه السلام باشند.^۷ (سبحانی، بی تا، ج ۴، ص ۴۸۲)

۷. قد حکى المشايخ أنّ صاحب الجواهر، لما اشتغل بتأليف الجواهر أحس أنّ إتمام المشروع رهن صبّ الجهود على التآليف وعدم الاشتغال بشيء آخر سنتين، و لذلك نذر أن يزور الحسين عليه السلام في كلّ عرفة حذرا من تعلق وجوب الحجّ. (سبحانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۷۹)

تزام حقوق جمعی و فردی است. باید چه کند؟

یا اموالی را نذر کرده برای مصرفی، آیا در راه درمان بیماری کرونا قابل مصرف است؟

نذر از قواعدی هست که بتواند برخی احکام را کنترل کند یا محدود کند؟

مرحوم نائینی در برخی کلماتشان راجع به نذر فرمایش متینی دارند:

در نذر ما یک دلیل توصلی داریم و در برخی موارد یک دلیل تعبدی داریم. حرف ایشان تقریباً زیبا و قابل توجه است.

در نذرهایی که توصلی یا تعبدی هماهنگ می شود بده بستان خاصی می یابد. گویا تعبدیت با توصلیت جابه جا می شود.

فرض کنید شخصی می گوید لله علی ان اصوم عرفة یا لله علی ان اصلى صلاة اللیل به خاطر کاری متعبد می شود نذر را

انجام دهد، ایشان می فرماید اینجا گویا دلیل توصلی نذر با وجوب تعبدی نماز جابه جا می شود. در نتیجه این شخص باید

بالوجوب این کار را انجام دهد. (نائینی، ۱۳۷۶، ص ۲۲۹)

در سخن ایشان تأملی هست که در اجتماع امر و نهی، آیا یک چیز می تواند دو مطلوبیت داشته باشد؟

اگر منظور ایشان این است که وجوب بالذات که وجوب وفای به نذر است با متعلق به نذر که وجوب بالعرض است یکی

می شوند، این حرف خوبی است. به معیار آیه شریفه (وَلْيُوفُوا نُذُورَهُمْ) و نذرهای خود را ادا نمایند. حج، ۲۹) که در آیات و

روایات هم داریم، این دلیل بر این می شود که وفای به نذر واجب است. وفای به نذر از عنوان متعلقش و از معلقش بیشتر

عبور نمی کند. پس معلوم می شود که ما یک نسبت ذاتی داریم و یک نسبت عرضی داریم. در بحث متعلقات نذر نسبت

ذاتی و نسبت عرضی جمع می شود.

نتیجه گیری و تطبیق بحث نذر بر بیماری

اگر کسی نذری کرد و با مراقبت بیماری واگیر دار خاصی مانند کرونا یا غیر آن التزام داشت و قابل اجتماع نبود، تکلیف

چیست؟ فرض این است که نمی شود در اجتماع عرفه جمع شد یا در محرم نذر کرده جمعیتی بیاید و با مراقبت های پزشکی

منافات دارد؛ حال باید چه کند؟

اینجا اولاً باید اهم و مهم کند:

حکم اولی مراقبت و حکم ثانوی نذر با یکدیگر التزام پیدا می کنند. اگر بتواند جمع کند که به نظر ما اکثر مواقع قابل جمع

است، باید این کار را انجام دهد. همراه با مراقبت های بهداشتی، نذر را انجام دهد. نذر کرده روز عرفه روزه بگیرد ولی ضرر

دارد برایش اینجا لا ضرر مقدم است و حاکم.

نتیجه اینکه: در صورت تراحم لاضرر حاکم است. در مصرف نذر هم برای کرونا اگر مربوط به تعظیم عزاداری باشد می شود مصرف کرد.

بزرگان ما در گذشته این گونه بودند. راه رجحان کارهایی است که نفوس نسبت به آنها رجحانی ندارند. وفای به نذر واجب می شود ولی خودش تقرب نیست بلکه توصل است. در وفای به نذر امر دیگری است. وجوب بالعرض می یابد و اگر متعلق تبعیدی باشد، تبعیدی می شود. اگر در امر توصلی استحباب و وجوب را نیت نکند اشکالی ندارد.

۴-۳-۴. اجماع

اجماع می تواند در مواردی که نذرهای نیاز به تغییر یا تبدیل دارند، نقش مهمی ایفا کند. در صورتی که اجماع بر جواز تغییر و تبدیل نذر وجود داشته باشد، این موضوع می تواند تأثیر مستقیمی بر تصمیم فرد بگذارد مثلاً اگر اجماع بر این باشد که تغییر نذر در شرایط خاصی جایز است، فرد می تواند با اطمینان بیشتری اقدام کند در نهایت ارتباط اجماع با تغییر و تبدیل نذر به این صورت است که اجماع می تواند به عنوان یک منبع معتبر در تصمیم گیری درباره تغییر نذر عمل کند. حال با توجه به مطلب مذکور، محقق حلی درباره امکان تغییر و تبدیل نذر ادعای اجماع نموده است.

ایشان ادعای اجماع نموده که اگر کسی نذر کند که پیاده به حج برود واجب است در صورت تمکن به نذر خود عمل نماید اما در صورت عجز باید نذر خود را به صورت سواره وفا کند و در این حالت وجوب ساقط می شود زیرا تکلیف و عمل به نذر منوط به وسع است و در حالت عجز، وسع از بین می رود. (حلی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۷۶۴)

۴-۴-۴. تعدد مطلوب

تعدد مطلوب: مطلوب بودن عمل مقید به قیدی حتی بدون آن قید.

تعدد مطلوب در مقابل وحدت مطلوب در جایی است که عملی مقید به قیدی است، لیکن آن قید در مطلوبیت نفس عمل دخالت ندارد؛ هر چند رعایت قید نیز مطلوب است. بنابراین در فرض عدم امکان رعایت قید، مطلوبیت عمل همچنان به قوت خود باقی است مانند اقامه هر یک از نمازهای یومیّه در وقت خود که علاوه بر مطلوبیت نفس نماز، اقامه آن در وقت، مطلوب است و با فوت وقت، مطلوبیت نماز همچنان باقی است و وجوبش ساقط نمی گردد. در نتیجه قضای آن واجب خواهد بود.

اگر روزه روز خاصی به نذر بر مکلف واجب گردد و او به جهت مانعی نتواند آن روز را روزه بگیرد، نذرش باطل و قضای آن ساقط می گردد، لیکن اگر نذر یاد شده به نحو تعدد مطلوب باشد، نذر باطل نمی شود و باید روز دیگری روزه بگیرد.

گاهی توانایی عمل به نذر را در آن زمان یا آن مکان ندارد، ولی با تغییر آن به زمان و مکان دیگر می تواند عمل کند، در این صورت از قبیل تعدد مطلوب است و در نزدیک ترین مورد به موارد نذر، آن را مصرف می کند مانند نذر اطعام روز عاشورا در

مسجد خاص، در صورتی که مسجد مزبور را خراب کرده‌اند باید در مسجد دیگری اطعام کند.

(<https://makarem.ir/ahkam/fa/category/index>)

با توجه به مطالب بیان شده تغییر نذر به دلیل تعدد مطلوب ممکن است در شرایطی که قید نذر رعایت نشود یا امکان‌پذیر نباشد، صورت گیرد. در چنین مواردی، اصل مطلوبیت عمل حفظ می‌شود هر چند شرایط قیدی نذر تغییر کند مثلاً اگر کسی نذر کند که پیاده به حج برود اما به دلیل بیماری نتواند نذر خود را به صورت پیاده انجام دهد، می‌تواند نذر خود را به صورت سواره انجام دهد زیرا در این حالت اصل حج به عنوان نذر باقی می‌ماند و نذر به شکلی قابل اجرا و ممکن تغییر می‌یابد.

با توجه به مطالبی که بیان شد، توانایی تغییر و تبدیل نذر بر اساس قاعده میسور، مصلحت، تراحم و تعدد مطلوب، امکان‌پذیر است. این اصول و قواعد به فرد کمک می‌کنند تا در شرایط مختلف بتواند نذر خود را به نحوی به انجام برساند که همواره مطابق با احکام و شریعت باشد. این مباحث به خوبی نشان می‌دهند که فقه اسلامی با توجه به شرایط مختلف، انعطاف‌پذیری لازم را دارد تا بتواند بهترین راه‌حل را برای مشکلات پیش‌رو ارائه دهد.

لازم به یاد آوری است که از جمله مواردی که به عنوان مبنای استنباط فقهاء نیز می‌تواند مورد استناد قرار گیرد و تسهیل‌کننده جواز تغییر باشد موردی است که مصلحت اقتضاء نماید مصلحت به معنای صلاح، خیر و صواب و هر آنچه باعث خیر و صلاح و نفع و آسایش انسان باشد. (طریحی، ۱۹۸۵، ج ۲، ص ۱۲۵، زبیدی، ۱۳۰۶، ج ۶، ص ۵۴۷) برخی هم آورده‌اند: استصلاح در تعریفی اصطلاحی خود نزد علمای علم اصول آن است که به مصلحت و به استناد آن، حکمی صادر یا بدان عمل شود. و یا جلب منفعت و دفع ضرر و مصالح ضروری عبارت است از مصالحی است که مقصود اصلی شریعت حفظ آن می‌باشد. (حکیم، ۱۴۱۶، ص ۳۸۱؛ عاملی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۷۲)

بر این اساس می‌توان گفت مصلحت در بحث نذر کاربرد زیادی دارد مثال: شخصی نذر می‌کند که شب اول محرم برای عزاداران امام حسین (ع) در مسجد غذای نذری پخش کند. ولی به جهت شیوع بیماری کرونا یا بیماری واگیرداری، این امر میسر نیست در این صورت طبق مصلحت می‌تواند به روش دیگر نذر خود را ادا کند.

اگر انجام کاری که خیلی مهم است برای کسی ممکن نباشد، باید کاری را انجام دهد که به اندازه آن کار مهم نباشد اما مهم‌ترین کار ممکن در آن شرایط باشد. به عبارت دیگر وقتی نتوانیم بهترین کار را انجام دهیم باید دومین کار خوب را انجام داد.

این بدان معناست که عقل حکم می‌نماید وقتی فرد نمی‌تواند آن چه را نذر نموده انجام دهد باید بهترین تصمیم ممکن در شرایط موجود و بدیل آن را انتخاب کند.

نتیجه گیری:

با توجه به مطالب ارائه شده، به این نتیجه می‌رسیم که مفهوم نذر یکی از مفاهیم دینی مهم است که در آیات، روایات و کتب فقهی جایگاه ویژه‌ای دارد. در فقه، نذر به معنای التزام فرد به انجام یا ترک عملی است که از نظر شرع واجب نیست، اما شخص با اراده و اختیار خود را به انجام آن متعهد می‌کند و باید به طور شرعی به آن عمل نماید.

اگر فردی نذر کند و به دلایلی مانند ضرورت یا ناتوانی، نتواند نذر خود را ادا کند، این امکان وجود دارد که نذر خود را تغییر داده یا به احسن تبدیل کند. در اینجا به چند اصل مهم اشاره می‌کنیم:

قاعده میسور: این قاعده می‌گوید که اگر انجام تکلیف به صورت کامل ممکن نباشد، انجام بخشی از آن که ممکن و مقدور است، از عهده مکلف ساقط نمی‌شود. به عنوان مثال اگر کسی نذر کرده که پیاده به حج برود اما در انجام این عمل ناتوان باشد باید به میزان توان خود عمل کند و مثلاً سواره به حج برود.

قاعده تراحم: این قاعده بیان می‌کند که اگر جمع بین دو حکم در مقام اجرا ممکن نباشد، یکی از آنها بر اساس مصلحت مقدم می‌شود. مثلاً کسی نذر می‌کند که اگر حاجتش برآورده شود در محرم در منزلش دعوتی بگیرد و افرادی را دعوت نماید. حال حاجتش برآورده شده است و هنگام ادای نذر، بیماری همه گیر پیش می‌آید که امکان تجمع وجود ندارد در اینجا بین ادای نذر و حفظ جان تراحم پیش می‌آید که در این مورد قاعده لاضرر مقدم می‌شود و حاکم است لذا باید نذر خود را به گونه دیگری ادا نماید.

تعدد مطلوب: در این حالت، اگر عملی مقید به قیدی باشد و آن قید در مطلوبیت نفس عمل دخیل نباشد، عمل بدون رعایت قید نیز همچنان مطلوب است مثلاً اگر کسی نذر کند که در پیاده به حج برود اما به دلیل بیماری نتواند نذر خود را به صورت پیاده انجام دهد، می‌تواند نذر خود را به صورت سواره انجام دهد زیرا در این حالت اصل حج به عنوان نذر باقی می‌ماند و نذر به شکلی قابل اجرا و ممکن تغییر می‌یابد. البته مصلحت به معنای جلب منفعت و دفع ضرر هم در بحث نذر کاربرد فراوانی دارد.

قرآن کریم، ترجمه ابوالفضل بهرام پور. (۱۳۸۷). قم: چاپخانه بزرگ قرآن کریم.

۱. ابن براج، عبدالعزيز. (۱۴۰۶). **المهذب**. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲. ابن جنید، محمد بن احمد. (۱۴۱۶). **مجموعه فتاوی ابن جنید**. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳. اردبیلی، احمد بن محمد. (۱۴۱۷). **مجمع الفائدة و البرهان في شرح إرشاد الأذهان**. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴. امام خمینی، سید روح الله، موسوی. (۱۴۰۹). **تحریر الوسيلة**. قم: مطبوعات دار العلم.
۵. تبریزی، جواد. (۱۳۸۵). **استفتاءات (تبریزی)**. قم: سرور.
۶. سبحانی، جعفر. (۱۴۲۴). **الحج في الشريعة الإسلامية الغراء**. قم: امام صادق علیه السلام.
۷. حر عاملی، محمد حسن. (۱۴۱۶). **وسائل الشیعه**. قم: آل البيت.
۸. حلی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷). **ایضاح الفوائد في شرح مشکلات القواعد**. قم: اسماعیلیان.
۹. حلی، جعفر بن حسن. (۱۳۷۶). **المختصر النافع**. قم: مطبوعات دینی.
۱۰. حلی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۷). **المعتبر في شرح المختصر**. قم: سید الشهداء علیه السلام.
۱۱. حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۴). **تذکرة الفقهاء**. قم: آل البيت علیهم السلام.
۱۲. حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۳). **قواعد الاحکام في معرفة الحلال و الحرام**. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین. (۱۴۱۲). **مفردات الفاظ القرآن**، بیروت: دارالشامیة.
۱۴. راوندی، قطب الدین. (۱۴۰۵). **فقه القرآن**. قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
۱۵. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن. (۱۳۷۶). **تهذیب الأحکام**. تهران: نشر صدق.
۱۶. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن. (۱۳۸۷). **المبسوط في فقه الامامية**. تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
۱۷. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۲). **الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية**. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

١٨. عاملی شهید ثانی، زین الدین بن علی، (١٤١٣). **مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام**. قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
١٩. عاملی، محمد بن علی موسوی. (١٤١١). **مدارك الأحكام في شرح عبادات شرائع الإسلام**. بيروت: آل البيت عليهم السلام.
٢٠. عميد، حسن. (١٣٦٢). **المنجد**. قم: اسماعيليان.
٢١. فيروز آبادی، مجد الدين. (بي تا). **القاموس المحيط**. بيروت: دار احياء التراث العربي.
٢٢. كليني، محمد بن يعقوب. (١٤٠٧). **الكافي**. تهران: دارالكتب الاسلامية.
٢٣. كيدري، محمد بن حسين. (١٤١٦). **اصباح الشيعة بمصباح الشريعة**. قم: امام صادق عليه السلام.
٢٤. مرعي، حسين عبدالله. (١٤١٣). **القاموس الفقهي**. بيروت: دارالمجتبي.
٢٥. موسوی، سيد مرتضی، علی بن حسين. (١٤١٥). **الانتصار في انفرادات الإمامية**. قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
٢٦. مشكيني، علی. (١٣٩٢). **مصطلحات الفقه**. قم: موسسه علمي، فرهنگي دار الحديث.
٢٧. مفيد، محمد بن محمد. (١٤١٣). **المقنعة**. قم: كنگره جهاني هزاره شيخ مفيد.
٢٨. نراقی، مولى احمد بن محمد مهدي، (١٤١٢). **مستند الشيعة في أحكام الشريعة**. قم: آل البيت عليهم السلام.
٢٩. نجفی، محمد حسن. (١٤٠٤). **جواهر الكلام في شرح شرايع الاسلام**. بيروت: دارالتراث العربي.
٣٠. هاشمي شاهرودي، سيد محمود. (١٤٣٢). **موسوعة الفقه الاسلامي المقارن**. دائرة المعارف فقه اسلامي بر مذهب اهل بيت عليهم السلام.
٣١. makarem.ir/ahkam.
٣٢. <https://farsi.khamenei.ir>.